در گذشته ورزش زورخانه‌ای بیشتر مورد استقبال جوانان قرار می‌گرفت

۲۰ خرداد برابر با ۱۷ شوال روز فرهنگ پهلوانی و ورزش زورخانه‌ای است

عباس شیرخدا برایمان از این روز و حال و هوای ورزش زورخانه‌ای می‌گوید

در زورخانه نباید برای هر کسی زنگ زد

پیمان طالبی

ادبیات و هنر

بنابر روایات تاریخی هفدهم شوال، سالروز پیروزی سپاه اسلام در جنگ خندق است که این روز به نام روز فرهنگ پهلوانی و ورزش زورخانه‌ای نامگذاری شده است. محور زورخانه از قدیم کاراکتری به نام مرشد بوده است. مرشد در زورخانه نقش تربیتی مهمی دارد و این معلم والامقام در حقیقت الگوی تمام عیار باستانی‌کاران به شمار می‌رود. یک مرشد مسلط باید توانایی هماهنگی شعر و ریتم و هنر تلفیق شعر و موسیقی را داشته باشد. مسلط به ریتم و قواعد کلی آن بوده و توانایی دگرگونی آنی در اوزان حرکتی ورزش‌های متنوع و قدرت رهبری را داشته باشد. همچنین توانایی مدیریت امور داخلی زورخانه را دارا باشد. عباس شیرخدا در سال‌های اخیر نماد مرشد در میان ایرانیان بوده. مردی که خیلی‌ها زورخانه و ضرب‌گرفتن را با تصویر و صدای او در حافظه دارند. پای حرف‌های مردی نشسته‌ایم که با وجود دگرگون شدن جامعه و حالات انسان‌هایش، هنوز دم از جوانمردی و فرهنگ پهلوانی می‌زند.

سابقه آشنایی شما با زورخانه و فرهنگ پهلوانی به چه زمانی برمی‌گردد؟

هفت سالم بود. مدرسه که می‌رفتم سر صف قرآن یا سرود می‌خواندم. فکر می‌کنم روزی نبود که من سر صف برنامه‌ای اجرا نکنم. بعد از مدتی مسؤولان مدرسه متوجه شدند که به شاهنامه علاقه دارم و شاهنامه را خوب می‌خوانم. دیگر کارم این شده بود که سر صف برای بچه‌ها شاهنامه هم بخوانم. بعد از مدتی در مدرسه‌مان یک زورخانه راه انداختیم. در آن ایام دو تا هم‌شاگردی داشتم که با هم دنبال کار زورخانه مدرسه بودیم. یکی‌شان رسول میرمالک بود که بعدها کشتی‌گیر شاخصی شد و آن یکی روح‌ا... رحمانی بود که در ورزش دوومیدانی، قهرمان جانبازان کشور شد.

احتمالا آن‌موقع در ورزش هم زبانزد بودید.

در مدرسه معلم ورزش ما آقای محمدی بود. یادم هست که من کاپیتان تیم‌مان بودم و در فوتبال و کشتی و هر ورزشی که انجام می‌دادیم برنده می‌شدیم و به‌ناچار همه جایزه‌های ورزشی را ما می‌گرفتیم. بعد از مدتی برای این‌که تنوعی ایجاد شود، هر وقت ما برنده می‌شدیم جایزه را به تیم بازنده می‌دادند! همین شد که از همان موقع با فرهنگ پهلوانی و جوانمردی آشنا شدم. در خارج از مدرسه هم از آنجا که ما بچه‌های پایین‌شهر بودیم، با کشتی و زورخانه یا فوتبال و والیبال انس گرفته بودیم. از قدیم هم تمام زورخانه‌ها در پایین‌شهر بوده و ورزش باستانی در این منطقه شهر رونق بیشتری داشته‌است. البته در سال‌های اخیر شهرداری تهران زورخانه‌هایی هم در بالای شهر تاسیس و احداث کرده که این مساله بسیار برای من خوشحال‌کننده است.

نگاه شما به ورزش زورخانه‌ای و باستانی چیست؟

ورزش زورخانه‌ای پاسدار حریم مقدس دین محمدی و مروج فضائل اخلاقی است. ورزشکاری که وارد زورخانه می‌شود در ابتدای امر فروتنی و جوانمردی را می‌آموزد. من در تمام عمر از مولا علی(ع) دم زده‌ام و مردی و مردانگی با گوشت و پوستم آمیخته‌شده. ورزشکار باید خداشناس باشد و از حق و حقیقت دم‌بزند. شما از قدیم هم که تاریخ را بررسی کنید متوجه می‌شوید که اکثر پهلوانان قدیم ارادت ویژه‌ای به اسلام داشته‌اند و در این مسیر اسوه‌شان سرور جوانمردان و سرآمد مردان مولا علی(ع) بوده‌است.

محیط ورزش پهلوانی چه تاثیری در این نگاه داشته است؟

محیط ورزش پهلوانی که همان زورخانه باشد، محیط جوانمردی و برادری است. ورزش باستانی سه ویژگی مهم و کلیدی دارد که ورزشکار باید برای کسب اینها تلاش کند: ازخودگذشتگی، جوانمردی و دفاع از مظلوم. محیط زورخانه تجلی این صفات زیبا در وجود پهلوانان است.

فکر می‌کنید این ورزش الان جایگاه مناسبی میان مردم دارد؟

کشتی و ورزش باستانی از دیرباز ورزش اول این آب و خاک بوده، چراکه مردم ما ذاتا به جوانمردی و پهلوانی توجه خاصی داشته‌اند. من صریح می‌گویم ورزش باستانی آبروی کشور ماست و ما باید این ورزش را با جدیت حفظ کنیم. بهترین راهش هم حمایت از پیشکسوت‌ها و در عین حال میدان دادن به جوان‌هاست.

چه کارهایی باید انجام شود تا ورزش زورخانه‌ای به جایگاه خودش در فرهنگ ما برگردد؟

به نظر من افرادی باید در راس کار باشند که عضو جامعه ورزش باستانی باشند و دل‌شان برای این ورزش بتپد. باید به جوان‌ها بیشتر اهمیت بدهند و فضایی فراهم‌کنند تا آنها بتوانند در فضای ورزش باستانی بالنده شوند و رشد کنند. ما در فرهنگ‌مان بزرگانی چون زنده‌یاد جهان‌پهلوان تختی و پوریای‌ولی را داریم. هنوز هم اگر درست بگردیم در کشورمان تختی و پوریای‌ولی کم نیست. زورخانه منبع انسان‌سازی است. اگر به زورخانه و ورزش زورخانه‌ای به‌درستی پرداخته‌شود، جامعه احیا خواهد شد. از قدیم در زورخانه‌ها نام مولا علی(ع) برده می‌شد و مرشدها و پهلوانان از یاد خدا و فضائل اهل بیت(ع) دم می‌زدند. جوان وقتی در چنین موقعیتی قرار بگیرد، محال است به راه نادرست کشیده‌شود. جوان‌ها باید راه و رسم پهلوانان را بیاموزند و از تجربیات پیشکسوتان این عرصه بهره ببرند. در فرهنگ ما همیشه اخلاق حرف اول را زده است و ورزش پهلوانی تبلور اخلاق حسنه و مروج فضائل اخلاقی است.

ما در فرهنگ‌مان بزرگانی چون زنده‌یاد جهان‌پهلوان تختی و پوریای‌ولی را داریم. هنوز هم اگر درست بگردیم در کشورمان تختی و پوریای‌ولی کم نیست

حرف از زنده‌یاد غلامرضا تختی شد. شما ایشان را از کی شناختید؟

تختی بچه‌محل ما بود. من در محله‌ای زندگی می‌کردم که از یک طرف منتهی به خانه تختی می‌شد و از طرف دیگر به خانه حاج‌آقا طیب. رابطه من و تختی از نوجوانی آغاز شد که با هم به باشگاه پولاد (قدیمی‌ترین باشگاه کشتی) می‌رفتیم و گاه با هم سری به زورخانه هم می‌زدیم. تختی هم یکی از بزرگانی بود که در اخلاق و ادب سرآمد است.

آقای شیرخدا! شما از مرشدان نامدار ایرانی هستید. نقش مرشد در فرهنگ زورخانه چه بوده؟

مرشدها با بیان و اشعارشان فرهنگ جوانمردی را در زورخانه رواج داده‌اند. آنها آیین پهلوانی و رسم مردانگی را سینه‌به‌سینه از پیشکسوتان خود آموخته‌اند. باید از دانش و بینش این بزرگان—تا زمانی که در میان ما هستند—استفاده شود. زورخانه، خانه هنر، ادب، فتوت، بزرگمنشی و سخاوتمندی است. یک مرشد خوب باید اهل مطالعه باشد و سواد داشته باشد. باید مردمی باشد و با همه با تواضع برخورد کند. در زورخانه برای هرکسی نباید زنگ زد.

جوان‌ها چطور به این ورزش علاقه‌مند می‌شوند؟

به نظر من ورزش باستانی و زورخانه‌ای را باید از مدارس آغاز کرد و اصول ورزش باستانی را به دانش‌آموزان آموخت.

از آنجا که زورخانه خانه جوانمردان و عیاران است، یک ایرانی باید ورزش اصیل کشور خود را به‌درستی بشناسد. جوان و نوجوان وقتی ببیند که ورزشکار پیشکسوت و استادش در زورخانه وضو می‌گیرد و وارد گود می‌شود، درمی‌یابد که این گود مقدس است و زمانی که این ورزش را آغاز کرد نباید به هر کاری دست بزند. درمی‌یابد که جوانمردی جزو زیباترین صفات یک ورزشکار است و سعی می‌کند صفات مثبت را از سیره ائمه‌اطهار(ع) بیاموزد. ورزش زورخانه‌ای پیام‌آور فرهنگ جامعه است و ما با حفظ و آموزش درست آن درواقع ایرانی بودن خود را حفظ می‌کنیم. برای ادامه راه ورزش پهلوانی و باستانی در ایران باید مسؤولان بیشتر از گذشته به پیشکسوتان احترام قائل شوند و از تجربیات و خاطرات آنها در عرصه قهرمانی و پهلوانی بیش از پیش استفاده نمایند. همچنین باید به جوان‌ها بیشتر از گذشته میدان داد و در همه عرصه‌های ورزشی آنها را حمایت کرد تا مبادا ورزش باستانی با آن گذشته عظیم و سابقه درخشان به فراموشی سپرده شود.

واقعه

بهار کمانچه

بیستم خرداد سالروز درگذشت استاد علی‌اصغر بهاری است

استاد علی‌اصغر بهاری، تنها نوازنده کمانچه نبود. او کسی بود که هویت و جایگاه کمانچه را در بین نوازندگان و علاقه‌مندان موسیقی احیا کرد. او خود در مورد نخستین برنامه تک‌نوازی‌اش در رادیو و بازتاب آن گفته است:

«همان‌روز اول که من کمانچه زدم، ناگهان برنامه شهرت فوق‌العاده‌ای پیدا کرد. حتی خود من تصور آن را نمی‌کردم که این ساز فراموش‌شده، آن‌قدر طالب داشته باشد. از همه‌جا سراغ من آمدند. موسیقیدان‌هایی هم که قبلا مرا نمی‌شناختند، با من آشنا شدند و مرا به ادامه کار با کمانچه تشویق کردند.»

رفته‌رفته روح‌ا... خالقی، رئیس هنرستان عالی موسیقی، از او می‌خواهد کلاسی برای کمانچه را در هنرستان اداره کند و از آن گذشته با ارکستر سازهای ملی به همکاری بپردازد. برخی از شاگردان پیشرفته ویولن، به توصیه خالقی، در کلاس کمانچه بهاری به شاگردی نشستند و بعدها خود به نواختن کمانچه در ارکسترها پرداختند.

دوستان و نزدیکان او معتقدند که لطف کمانچه‌نوازی بهاری به این بود، بر پایه حال خود ساز می‌نواخت و از این منظر بداهه‌نوازی‌های چشمگیری دارد.

یکی از شاگردان بهاری در جایی گفته: «مرحوم استاد بهاری عادت عجیب و غریبی داشت. به‌عنوان‌مثال وقتی قرار اجرایی می‌گذاشتیم، در اولین جلسه تمرین، می‌گفتیم استاد چه بنوازیم و بخوانیم، می‌آمد می‌گفت: ماهور. می‌گفتیم بسیار خب و شروع می‌کردیم.

جلسه بعدی تمرین که می‌رفتیم، می‌گفتیم خب، استاد شروع بفرمایید. وقتی می‌نواخت، می‌دیدیم ای بابا! ایشان که دارد نوا می‌زند! خدمت‌شان عرض می‌کردیم قرارمان که ماهور بود، جواب می‌داد که امروز حال‌مان این‌جوری است! می‌گفتیم: چشم! حالا بعد از آن‌که خوب چند بار دستگاه و گوشه عوض می‌شد، آخرش در کنسرت می‌دیدیم که استاد دارند شور می‌نوازند!»

کیهان کلهر، یکی از الگوهای خود را در ساز کمانچه و تنها کسی که او با صدای ساز کمانچه آشنا کرد استاد بهاری می‌دانست.

او در جایی گفته‌است: «زمانی که من صدای ساز استاد بهادری را برای اولین‌بار در تلویزیون شنیدم به کمانچه علاقه‌مند شدم. به حدی این علاقه زیاد بود که یادم هست آن ایام در روز حدود ۱۸ ساعت به تمرین کمانچه می‌پرداختم.»

کاغذ اخبار

کشاورز همچنان در آی‌سی‌یو است

محمدعلی کشاورز، بازیگر مطرح سینما، تئاتر و تلویزیون ایران که چندی است به دلیل بیماری در بخش آی‌سی‌یوی بیمارستان بستری است، همچنان تحت درمان پزشکی قرار دارد. سیدمحمد طباطبایی، مدیرعامل مؤسسه هنرمندان پیشکسوت در این‌باره گفت: آقای کشاورز همچنان در بخش آی‌سی‌یوی بیمارستان بستری است. اواسط هفته گذشته پزشکان متوجه بالا رفتن عفونت ریه ایشان شدند که با استفاده از دارو این مشکل برطرف شد. وی ادامه داد: خوشبختانه وضعیت ریه و کلیه آقای کشاورز بهتر از قبل است./مهر

تکلیف نمایشگاه کتاب روشن می‌شود

محسن جوادی، معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در مصاحبه‌ای گفت: ما برنامه‌هایی داریم که ستاد مبارزه با کرونا آنها را در نوبت بررسی قرار داده و تا این ستاد آن را تصویب و جواب قطعی ارائه نکند از سوی وزارت ارشاد خبری منتشر نخواهد شد. وی در پاسخ به این پرسش که نمایشگاه کتاب در اولویت برگزاری قرار دارد یا خیر، گفت: آقای صالحی، وزیر ارشاد مسأله را باید در نوبت بررسی ستاد ببرد تا درباره آن تصمیم‌گیری شود، اما پیش از ما برنامه‌های ورزشی در اولویت قرار دارند چراکه زودتر از ما ارائه شده است.

جوادی افزود: ما طرح را به وزیر ارشاد ارائه کرده‌ایم، اما طرح‌های ارائه شده به ستاد طبق اولویت بررسی می‌شوند و طرح‌های ورزشی در اولویت قرار دارند./ فارس

مستندی در نقد کسروی
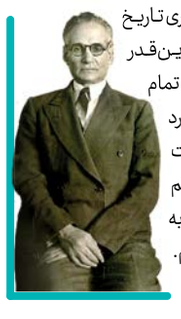
کارگردان مستند «تئوریسین خشونت» برای جدیدترین فیلم خود سراغ یکی از متناقض‌ترین شخصیت‌های سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر رفت. محسن کوقان با اشاره به این نکته که تازه‌ترین مستندش درباره احمد کسروی است، گفت: مستند کسروی در حال حاضر در مراحل پایانی پیش‌تولید و پژوهش است و به احتمال فراوان از ابتدای تیرماه وارد تولید و ضبط مصاحبه‌های مرتبط خواهیم شد. تاکید ما این است که به هیچ عنوان مستند بیوگرافی درباره کسروی نسازیم بلکه قصد داریم اندیشه و خرد ادعایی وی را مورد بررسی قرار دهیم. کوقان خاطرنشان کرد: سوالات بسیاری درباره کسروی وجود دارد از جمله این‌که نسبت وی با جامعه امروز ما چیست؟ نکته بعدی این است که چرا حجم خشونت در فضای فکری تاریخ معاصر ما این‌قدر زیاد است و تمام این موارد سوالاتی است که قصد داریم در مستند به آنها بپردازیم. /تسنیم